

امکان سنجی تعمیم استثنائات قاعده عدم جواز تأخیر در اجرای حدود به مصادیق نوپدید

فریبا فرجی^۱ - امید قربانخانی^۲

چکیده

بنابر قاعده عدم جواز تأخیر در اجرای حدود، مجازات‌های حدی می‌بایست بی‌درنگ اجرا شوند. با این حال در روایات معصومان (ع) استثنائاتی برای جواز تأخیر اجرای حدود نقل شده است. با توجه به ابتنای احکام بر مصالح و مفاسد واقعی و تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر آن‌ها، پژوهش حاضر به بررسی این پرسش پرداخته است که آیا موارد تأخیر اجرای حدود، منحصر در استثنائات بیان شده در روایات است یا با روش‌های تعمیم همچون الغای خصوصیت و تنقیح مناط می‌توان دایره شمول استثنائات را توسعه داد؟ بررسی و واکاوی روایات با رویکرد توصیفی تحلیلی و همچنین بازخوانی آراء فقها بیانگر آن است که حفظ مصالح محکوم علیه، مصالح افراد جامعه و صیانت از اصل شریعت موجب تأخیر در اجرای حد می‌گردد به گونه‌ای که اگر اجرای مجازات با مصالح مزبور در تراحم باشد، ممکن است حد موقتاً تعطیل و یا به کیفیت دیگری اجرا شود. همچنین این مصالح محدود به موارد ذکر شده در روایات نیست و با روش‌های تعمیم می‌تواند به مصادیق نوپدید تسری یابد.

واژگان کلیدی: اجرای حدود، مجازات اسلامی، واجب فوری، تأخیر حدود، حقوق کیفری، مصلحت.

۱. استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

F.faraji@basu.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. o.qorbankhani@basu.ac.ir

۱. مقدمه

قاعده عدم جواز تأخیر در اجرای حدود و لزوم اجرای فوری آن‌ها یکی از قواعد فقه جزایی است که بر مبنای آن، پس از اثبات ارتکاب جرم، اجرای حد می‌بایست فوراً اجرا شود. بر اساس این قاعده که با عبارات «لا تأخیر فی حد» و «لیس فی الحدود نظر ساعة» بدان اشاره شده است، پس از اثبات ارتکاب جرم، تأخیر در اجرای حد غیرمجاز و حرام است (اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۴۹۱؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۲۴). بر اساس برخی روایات این قاعده اولیه دارای استثنائاتی است که در مورد آن‌ها می‌توان اجرای حدود را به تأخیر انداخت از جمله اجرای حد بر مریض، بر مرضعه و...

از طرفی نظام کیفری اسلام متأثر از عوامل مختلفی همچون تغییر و تحوّل عرف، تکامل علوم جنایی، ظهور پدیده‌های نوین اجتماعی، کشف مصالح و مفسد واقعی و تدوین حقوق بشر جهانی است. لذا در دوره حاضر با توجه به گذشت قرن‌ها از صدور روایات استثناء، این سؤال مطرح است که آیا موارد استثناء محدود به مصادیق ذکر شده در روایات است یا تأخیر اجرای حدود، به مصادیق مستحدثه نیز قابل تسری می‌باشد؟ مراد از فقه مستحدث این است که مسأله‌ای که قبلاً در جامعه نبوده و بر اثر مرور زمان پدید آمده است. مسأله‌ای که حکم جدید می‌طلبد. گاهی برخی موضوعات در سابق بوده است و در همان زمان هم حکم خاص خود را داشته است، اما به مرور زمان چون موضوع تغییر کرده است حکم آن هم عوض شده است. بنابراین مسائل مستحدثه دو بخش مهم دارد: بخشی که سابقه وجودی نداشته و بر اساس دگرگونی و تغییر زندگی و پیدایش موضوعات جدید حکم جدید می‌خواهد. و گاهی موضوعات تبدیل و تغییر یافته است که در این صورت نیز حکم جدید می‌خواهد. فقیه باید در این گونه امور جواگوا باشد و اجتهاد صحیح صورت گیرد؛ خصوصاً بر مبنای مکتب شیعه که باب اجتهاد را در تمام اعصار مفتوح می‌داند و احکام را در هر عصری از

همان مصادر اربعه استخراج می‌کند.

گذشته از این گاهی اجرای حدود با برخی مصالح اعم از مصلحت محکوم علیه، مصلحت اطرافیان، مصلحت جامعه، مصلحت حفظ اصل شریعت و... تزامم می‌کند. در چنین شرایطی سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا در صورت تزامم مصلحت در اجرای حد با مصلحت اهم، می‌توان اجرای حد را به تأخیر انداخت؟

نظر به اهمیت موضوع و کاربرد آن در احکام قضایی، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد توصیفی تحلیلی به بازخوانی استثنائات قاعده عدم جواز تأخیر در اجرای حدود می‌پردازد و تلاش می‌کند ملاک و مناط موارد استثناء شده را کشف کرده و با اتکا به مبانی و اصول نظام فقهی اسلام امکان تعمیم آن‌ها به مصادیق نوپدید را بررسی نماید. شایان توجه است آنچه در این نوشتار ارائه می‌گردد صرفاً یک بحث نظری است که کاربست نتایج آن در مقام افتاء منوط به نظر مجتهدان است.

۲. پیشینه

بررسی صورت گرفته نشان می‌دهد گذشته از مباحث پراکنده در نگاشته‌های فقهی و حقوقی، تاکنون آثار مستقل اندکی مرتبط با موضوع نگارش یافته است، برای نمونه در مقاله «جستاری درباره تأخیر در اجرای حد» (نوبهار، ۱۳۹۴ش) و نیز مقاله «بازخوانی تحلیلی-انتقادی مفهوم اقامه حد و تعطیل حد» (خدایار، ۱۳۹۷ش)، نویسندگان به بیان دلایل لزوم اجرای فوری حدود پرداخته‌اند. و بحث درباره استثنائات این قاعده تنها در حد چند پاراگراف و به صورت گذرا مطرح شده است. اشتراک این دو مقاله با پژوهش حاضر تنها در عنوان آن‌هاست و از نظر محتوایی بررسی جامع و مستقلی درباره استثنائات قاعده صورت نگرفته است. مقاله «امکان سنجی تأخیر اجرای

حکم قصاص نفس در ارتکاب بزه جدید و کشف بزه قبلی» (صادق نژاد، ۱۳۹۸ش) نیز به رغم تشابه در عنوان از حیث محتوا ارتباطی با موضوع پژوهش حاضر ندارد. مقاله «بازخوانی و تعمیم ادله منع اجرای حدود در سرزمین دشمن در جهان معاصر» (مالدار، ۱۳۹۸ش) به طور تفصیلی به بررسی استثناء اجرای حد در سرزمین دشمن پرداخته است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های تأثیرگذار در اجرای حدود» (مؤمنی، علوی، ۱۳۹۶ش)، در بخش نخست به تأثیر زمان و مکان در اجرای حدود اشاره شده و در بخش دوم نیز به صورت کلی به برخی استثنائات قاعده اجرای فوری حدود پرداخته شده است.

بنابراین، موضوع مقاله حاضر، تعمیم‌پذیری استثنائات قاعده به مصادیق نوپدید، تاکنون به طور مستقل و جامع مورد مطالعه قرار نگرفته است. لذا این پژوهش تلاشی نوآورانه است که می‌کوشد در موضوع اجرای حدود مسائل جدیدی را به بحث گذاشته و زوایای تبیین‌نشده‌ای را واکاوی نماید. بدین منظور پیش از پرداختن به استثنائات قاعده و بررسی امکان تعمیم آن‌ها، ابتدا مبانی تعمیم حکم به مصادیق جدید بررسی می‌گردند. سپس مبتنی بر آن‌ها، ادله روایی استثنائات قاعده «عدم جواز تأخیر در اجرای حدود» مورد بازخوانی و تحلیل قرار گرفته و قابلیت تسری ملاک‌ها و مناطات به مصادیق جدید ارزیابی می‌شود.

۳. مبانی تعمیم حکم به مصادیق نوپدید

بحث از تعمیم یا عدم تعمیم استثنائات اجرای فوری حدود، موضوعی اجتهادی است که توسط فقها و مراجع قابل تأیید یا رد است. اما با توجه به ساختار نظام فقه اسلامی و توجه به مقاصد شریعت و ملاکاتی که در روایات بیان شده است می‌توان مبانی‌ای برای تعمیم حکم از یک مصداق به مصادیق دیگر برشمرد. در این بخش

مهمترین این مبانی به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر تبیین می‌گردند.

۳.۱. لزوم توجه به مصلحت

بررسی قاعده ناروا بودن تأخیر در اجرای حد و نیز استثنائات قاعده نشان می‌دهد که اصلی‌ترین علت تأخیر در اجرای مجازات، رعایت مصلحت است. مصلحت گاهی به ملاحظه فرد محکوم است؛ مانند تأخیر در اجرای حد بر مریض، گاهی به ملاحظه شرایط دیگر است؛ مانند تأخیر در اجرای حد بر مرضه و گاهی به ملاحظه حفظ منفعت جامعه و اصل دین است؛ مانند تأخیر در اجرای حد در سرزمین دشمن و اجرای علنی حدود.

از آنجا که احکام شرعی بر مبنای جذب مصلحت و دفع مفسده جعل شده‌اند (بکر بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، ص ۵۸) توجه به مصلحت در مواردی همچون احکام ثانویه، ضرورت، اضطرار، حرج، تراحم و... نقش بسیار مهمی دارد. در کتب فقهی حجیت مصلحت بر اساس آیاتی از قرآن مجید، روایات، دلیل عقل، اجماع و سیره عقلاً اثبات شده است (شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۸) و در مواقع بسیاری نیز در مرحله کشف، استنباط و صدور حکم به عنصر مصلحت استناد شده است (مجلسی، بی تا، ص ۱۵۸؛ قزوینی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲).

البته باید دانست که صرف وجود مصلحت نمی‌تواند موجبات تأخیر، تبدیل یا تعطیلی حکم شرعی را ایجاد کند مگر اینکه ضوابط خاص مصلحت هم وجود داشته باشد. از جمله این ضوابط ابتدای مصلحت بر اصولی همچون اصل کرامت، اصل عدالت و اصل ضرورت است، کما اینکه منطبق بودن مصلحت با مذاق شارع و غایت احکام شریعت نیز لازم است. (صابری، ۱۳۸۸ش، ص ۲۱۸). لذا مصلحت مقرون به دو شرط است: ۱- پذیرش عقل سلیم و عقلای جامعه ۲- عدم تعارض با

مقاصد و اهداف کلی و اساسی شریعت (احمدی ابهری، ۱۳۹۵ش، ص ۷۱).

در دنیای امروز وجود رسانه‌های ارتباطی و امکان در انظار قرار گرفتن اجرای حدود در سرتاسر جهان و از طرفی وجود روایاتی که اجرای مجازات‌های اسلامی در منظر کفار را منع می‌کنند، مصلحت اسلام و مسلمین ایجاب می‌کند که به تأخیر یا عدم اجرای برخی مجازات‌ها حکم شود؛ چرا که اجرای برخی مجازات‌ها موجب وهن و تحقیر اسلام و مسلمین می‌شود (حسینی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۷). همچنین در کتب فقهی تأکیدات فراوانی نسبت به رعایت مصلحت از سوی حاکمان اسلامی یافت می‌شود که حاکمان نباید موجب تنفر مردم از اسلام شوند (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۵۸۵). بنابراین اگر اجرای مجازات با مصلحت اسلام و نظام مقدس اسلامی تزاخم داشته باشد و موجب وهن دین مقدس اسلام گردد یا سبب ارائه چهره‌ای خشونت‌آمیز اسلام و نظام اسلامی گردد با تمسک به عناوین ثانویه و با توجه به مقاصد پنجگانه شارع از جعل احکام (حفظ دین، جان، مال، آبرو و نسل) امکان تغییر و تبدیل مجازات با اجازه حاکم اسلامی وجود دارد (مکارم، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۲۴).

همچنین از آنجا که در مقام مقایسه میان حفظ اصل نظام اسلامی و قداست دین از یک طرف و حفظ احکام فرعی آن از طرف دیگر، حفظ نظام اهمیت بیشتری دارد، در اجرای احکامی که به چهره نظام اسلامی خدشه وارد می‌کند و موجب وهن دین می‌شود، به دلیل تزاخم و با استناد به قاعده عقلایی اهم و مهم اجرای حکم به تأخیر می‌افتد یا مجازات به نوع دیگری مبدل می‌گردد (تولایی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۰۷). لذا در صورت تشخیص وجود مصلحت تأخیر در اجرای حدود در مصادیق نو پدید می‌تواند قائل به تعمیم حکم شد.

۳.۲. لزوم توجه به تأثیر زمان و مکان

مراد از زمان و مکان و نقش آن در استنباط و یا تغییر احکام، توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه در عصر صدور نص و فتوا یا اجرای احکام است (آقامهدوی، ۱۳۸۷ش، ص ۵۹). در شریعت اسلام بنابر فرمایش حضرت رسول (ص) حلال و حرام الهی تا قیامت ثابت و غیرقابل تغییر است اما از آنجا که شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه با پیشرفت علم و تکنولوژی مدام تغییر پیدا می‌کند شریعت اسلام مکانیسمی دارد که قادر است احکام دینی را با شرایط مختلف زمانی و مکانی هماهنگ کند. از این رو اصل تطبیق‌پذیری قوانین با شرایط روز و نیاز به عناصر ثابت در قوانین، از زمان قانون‌گذاری برای اداره جامعه مدنظر اندیشمندان بوده است و تقسیم‌بندی قوانین به قوانین طبیعی که ثابت هستند و قوانین موضوعه که براساس مقتضیات زمانی و مکانی تعیین می‌شوند، بر همین مبنا صورت گرفته است.

امروزه تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر مرحله اعلام و اجرای احکام شرعی امری انکارناشدنی است. علاوه بر شرایطی که به عنوان موضوع برای فعلیت و تنجز یک حکم شرعی لازم است، شرایط دیگری نیز باید در مرحله اعلام و اجرای حکم فراهم آید تا اهداف قانونگذار از وضع حکم، مثل مؤثر بودن و کارآیی داشتن محقق گردد. گاهی اعلام و یا اجرای یک حکم در دو زمان و یا دو مکان مختلف دارای آثار و عواقب مختلفی خواهد بود (عالمیان، ۱۳۹۸ش، ص ۷۶) از سوی دیگر، در پرتو توجه به مقتضیات زمان، فقیه ممکن است بتواند به پاره‌ای از ملاکات و مناطات احکام دست یابد و از آنجا که ملاک حکم شرعی نیز در زمره موضوع حکم نمی‌گنجد، می‌توان گفت استکشاف ملاک با ملاحظه تحولات زمان و مکان جزئی از فرآیند موضوع‌شناسی است. در این راستا امام خمینی (ره) می‌گوید:

«زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند، مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند» (خمینی، ۱۳۸۶ش، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

۳.۳. لزوم توجه به قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از اصول و قواعد ثابت فقهی است که در حوزه‌های مختلف کاربرد بسیاری دارد. این قاعده علاوه بر مرحله استنباط احکام و قواعد اولیه، در مرحله اجرای قوانین نیز تأثیر می‌گذارد و گاهی مانع تحقق اجرای حکم در خارج می‌گردد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۰۵).

عقل و منطق زندگی اجتماعی به طور بدیهی حکم می‌کند که باید قوانین و مقرراتی جهت حفظ منافع افراد در جامعه و دفع از ضرر ایشان وضع شود. با این حال، گاهی شرایطی ایجاد می‌شود که ضرر فردی یا اجتماعی محصول خود مقررات و قوانین موضوعه است؛ مانند اجرای مجازات در برخی جرایم که به خاطر منع یا دفع ضرر موقتاً انجام نمی‌شود و یا با تأخیر صورت می‌پذیرد. در هر مسأله‌ای چه از سابق مبتلابه بوده و چه نوپدید باشد، اگر اجرای حکم موجب ضرر شود بر مبنای قاعده لاضرر اجرای حکم با تأخیر انجام می‌شود. اثرگذاری قاعده لاضرر در اکثر ابواب فقهی به ویژه احکام کیفری، بسیار حائز اهمیت است به گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از مبانی رعایت شرایط زمانی و مکانی در اجرای احکام کیفری در دنیای معاصر، مفاد قاعده لاضرر است. مفاد این قاعده چه حاکم بر ادله احکام اولیه باشد و چه نباشد، می‌تواند مؤید مناسبی برای تعمیم حکم جواز تأخیر در اجرای برخی از حدود به شمار آید. بررسی روایات نیز نشان می‌دهد که علت تأخیر در اجرای برخی حدود، منع یا دفع ضرر نسبت به مجرم یا اطرافیان او است. اکثر فقها در بحث از تأخیر در اجرای

حد بر مستحاضه، مریض، باردار و مرضه پس از بیان لزوم فوریت اجرای حدود، یکی از دلایل جواز تأخیر در اجرای مواد مذکور را، منع یا دفع ضرر بیان می‌نمایند. تا حدی که حتی خوف تحقق ضرر به بیشتر از میزانی که شارع برای مجازات مجرم تعیین نموده است، نیز از دلایل تأخیر در اجرای مجازات بیان شده است.

۳،۴. لزوم توجه به قاعده اهم و مهم

قاعده اهم و مهم قاعده مهم فقهی است و مبتنی بر ادله عقلی و شرعی می‌باشد (حسینی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۱). این قاعده در هر مسأله‌ای که دو حکم در زمان اجرا با هم تزامم داشته باشند کاربرد دارد. در موارد بسیاری در حقوق کیفری در مقام اجرای مجازات‌های حدی بین مصالح، تزامم به وجود می‌آید. به گونه‌ای که امکان حفظ و تحقق دو مصلحت باهم وجود ندارد که مطابق این قاعده مصلحت اهم ترجیح پیدا می‌کند. این موضوع در اجرای فوری حدود نیز مطرح است، با این بیان که اگر چه حکم اجرای فوری حدود، جزء احکام اولیه و مهم شرعی است و جعل مجازات‌های حدی به جهت رعایت مصلحت افراد و جامعه است اما گاهی در مرحله اجرای حدود مصالحی همچون حفظ نظام، جلوگیری از تنفیر دین، منع وهن اسلام، اولویت حفظ حقوق افراد وابسته به مجرم و مواردی از این قبیل وجود دارد که مطابق قاعده اهم و مهم حکمی که دارای مصلحت اهم است بنابر تشخیص حاکم شرع یا مجتهد، اجرا می‌گردد. براین اساس در اجرای حدود نسبت به مصادیق نوپدید و مستحدثه، هرگاه مصلحت در تأخیر اجرای حدود باشد بنابر قاعده فوق می‌بایست قائل به جواز یا وجوب تأخیر شد و امکان تعمیم جواز تأخیر به مصادیق جدید را پذیرفت.

۳،۵. لزوم توجه به مقاصد شریعت

یکی از مباحث مهم در حوزه فقه معاصر مسأله توجه به اهداف و اغراض شارع در وضع

احکام است. چرا که ورای اوامر و نواهی الهی، غایات و مقاصدی نهفته است که احکام شرعی به منظور تحقق یا صیانت از آنها جعل شده‌اند. لذا بر مجتهد لازم است در فرآیند استنباط و اجرای احکام، دستیابی به مقاصد شریعت را نیز مد نظر قرار دهد.

از سوی دیگر مجازات‌ها با این هدف تشریح شده‌اند که جان، مال و امنیت فردی و اجتماعی را در برابر تعدی و تجاوز حفظ کرده و موجب اصلاح و بازدارندگی مجرمان گردند و در عین حال، نوعی جبران آسیب نیز باشند. با این حال، راه‌های تحقق این اهداف همواره واحد نیستند. در برخی موارد، به ویژه در شرایطی که زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی یا حقوقی برای درک صحیح این احکام فراهم نیست، اجرای مجازات ممکن است به سوء برداشت از شریعت و وهن آن بینجامد. بر همین اساس، برخی فقها بر این باورند که در صورت فراهم نبودن شرایط مناسب برای تحقق اغراض شریعت، می‌توان اجرای برخی مجازات‌ها را به تأخیر انداخت، بی‌آنکه این تأخیر به تعطیلی یا نفی حکم منجر شود (نجف‌آبادی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۵).

با توجه به مبنای فوق، می‌توان چنین استنباط کرد که اگر ملاک‌هایی که در استثنائات قاعده اجرای فوری حدود لحاظ شده‌اند، در مصادیق نوپدید نیز وجود داشته باشند، و توجه لازم به مقاصد شریعت در فرآیند اجرای حدود صورت گیرد، امکان تعمیم این استثنائات وجود دارد. بنابراین، استثنائات مزبور را نمی‌توان صرفاً در چارچوب حصر عقلی محصور دانست، بلکه با تکیه بر منطق مقاصد، می‌توان دامنه آنها را توسعه داد.

۴. قاعده عدم جواز تأخیر در اجرای حدود

عموم فقها به حرمت تأخیر در اجرای حدود قائل هستند (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲،

ص ۷۹) برخی از فقها تأخیر اجرای حد را از این جهت که باعث تعطیلی و تضييع حدود می شود حرام شمرده اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۵۹). از جمله مستندات این قاعده روایتی از امام صادق (ع) است که می فرمایند: سه نفر بر ضد مردی نزد امام علی (ع) به زنا شهادت دادند. حضرت به ایشان فرمودند: نفر چهارم کجاست؟ گفتند: هم اکنون می آید. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «حَدَّوْهُمْ، فلیس فی الحدود نظرة ساعة؛ آنان را حد (قذف) بزنید، چرا که در اجرای حدود لحظه ای تأخیر وجود ندارد» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۹۶).

برخی بر سند این روایت اشکال کرده اند که بزرگان علم رجال سکونی را تأیید نکرده و اجماع بر عدم توثیق او دارند (مکارم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۸). در جواب این اشکال گفته شده است که ضعف این حدیث با عمل مشهور فقها و بزرگان اصحاب به مضمون این روایت، جبران می شود و به طور کلی بنای اصحاب بر عمل به روایات سکونی است (لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۳۰). گذشته از این، تحقیقات رجالی، بیانگر وثاقت سکونی است (شبیری زنجانی، ۱۳۹۴ش، درس خارج فقه، www.eshia.ir).

۵. استثنائات قاعده

برخی از روایات معصومان (ع) دلالت بر این دارند که قاعده جائز نبودن تأخیر اجرای حدود دارای استثنائاتی است. در این بخش مهمترین موارد بیان شده در روایات را مورد بررسی قرار می دهیم.

۵.۱. حضور مجرم در سرزمین دشمن

از امام علی (ع) منقول است که فرمودند: «لَا أُقِيمُ عَلَى رَجُلٍ حَدًّا بِأَرْضِ الْعَدُوِّ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهَا مَخَافَةً أَنْ تَحْمِلَهُ الْحَمِيَّةُ فَيَلْحَقَ بِالْعَدُوِّ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۴۰؛

بروجردی، ۱۴۲۹ق، ج ۳۰، ص ۵۸۰؛ کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۲۸۱). براساس این روایت اجرای حد در سرزمین دشمن صورت نمی‌گیرد و تا وقتی مرتکب جرم به سرزمین اسلامی برگردد، اجرای حد به تأخیر می‌افتد.

۵،۱،۱. تحلیل وجه تأخیر

با توجه به روایت مذکور وجه عدم اجرای حد در سرزمین دشمن احتمال پیوستن فرد مجرم به دشمنان است (نوری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۴). برخی نیز معتقدند اجرای حد در سرزمین دشمن، موجب شماتت از جانب دشمن می‌گردد. (خراسانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۲). علامه مجلسی در شرح حدیث فوق می‌فرماید علت مذکور اختصاص به مجازات تازیانه دارد و اگر مجازات قتل باشد بحث از پیوستن به دشمن بی معنا است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۳۳۶). از نظر عده ای نیز لحن روایات شبیه حکم حکومتی است و تابع شرایط متغیر زمان و مکان است. (نجف آبادی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۰۳). برخی نیز قائل اند که خصوصیتی برای سرزمین دشمن وجود ندارد و این مناط با توجه به نظر حاکم می‌تواند در موارد دیگری هم کاربرد داشته باشد. (شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۶۸).

اگر مناط این استثناء خوف ملحق شدن به دشمنان باشد، میتوان گفت: در عصر حاضر به علت تشکیل سازمان‌ها و ارگان‌های بین‌المللی با داعیه‌ی حقوق بشر، شرایط الحاق به دشمنان دین بیشتر و قوی‌تر شده است. گاهی با اجرای حد شرعی غرض‌های اصلی و اثرهای مطلوبی که اثر حکم است فوت می‌شود مثل اینکه ممکن است فرد به سرزمین دشمن پناهنده شود. (شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۶۶). گاهی ممکن است زمینه پناهندگی بسیاری از افراد به کشورهای دیگر فراهم گردد. و یا بستر الحاق معنوی و فکری به دشمنان فراهم گردد.

همچنین در صورتی که مناط تأخیر حد، شماتت دشمن باشد، با توجه به گستردگی و پیشرو بودن فضای مجازی در جهان معاصر، اجرای مجازات‌هایی چون شلاق در ملأعام و فیلمبرداری از آن و سپس انتشار آن موجب هجوم‌های رسانه‌ای، سیاسی، فرهنگی و ... بر ضد نظام اسلامی می‌شود. از سوی دیگر یکی از موضوعات مهم فقهی، لزوم حفظ نظام است. فقها این اصل را به مثابه‌ی یک قانون عقلی و ضروری تا جایی قطعی می‌دانند که در موارد زیادی به جهت حفظ این اصل اهم، از صدور حکم اولیه خودداری کرده‌اند و به احکام ثانویه فتوا داده‌اند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۵۰).

البته این نکته به این معنا نیست که در هر شرایطی با کوچکترین بهانه و با سلاقی فردی و شخصی با مسأله اجرای حدود برخورد شود. بلکه منظور از ترجیح مصلحت حفظ نظام، شرایطی است که اجرای قواعد جزایی حقیقتاً با اصول و اغراض اساسی نظام اسلامی تزام داشته باشد. بنابراین هر دو ملاکی که برای تأخیر در اجرای حد از روایت استنباط شده‌اند (خوف الحاق به دشمن و شماتت دشمن) قابل تطبیق بر مصادیق جدیدی هستند، که توجه به آن‌ها می‌تواند مانع آسیب‌ها و پیامدهای سوء برای جامعه اسلامی باشد.

۵.۲. پناه بردن مجرم به حرم

امام صادق (ع) در مورد کسی که مرتکب جرم حدی در خارج حرم شود و سپس به محدوده حرم مکه ببرد فرمودند: «لَا يُقَامُ عَلَيْهِ الْحَدُّ وَلَا يُكَلَّمُ وَلَا يُسْقَى وَلَا يُطْعَمُ وَلَا يُبَاعُ مِنْهُ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۷، ص ۲۸۵؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۴۵). بنابراین کسی که جرم مستوجب حد را مرتکب شود و سپس به محدوده حرم مکه ببرد، حد بر او اجرا نمی‌شود بلکه در غذا و آب و خرید و فروش

بر او سخت گیری می شود تا از محدوده حرم بیرون بیاید و آنگاه حد بر او جاری شود.

۵،۲،۱. تحلیل وجه تأخیر

اگر کسی مرتکب جرم مستوجب حد گردد و به حرم برود اجرای حد بر او با تأخیر انجام می گیرد. این حکم به دلیل حفظ احترام محدوده حرم است. پس از خروج از محدوده حرم حد بر او جاری می شود. (سبحانی، ۱۳۸۹ ش، درس خارج فقه، www.eshia.ir). از نظر اکثر فقها ملاک اصلی این حکم حفظ احترام و شأن حرم است. (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۹۸). در منابع علوم قرآن نیز علت عدم اجرای حد منع هتک حرمت حرم است. (راوندی، ۱۴۰۵، ص ۲۸۹). چرا که خداوند فرموده است: «...من دخله آمنأ..») که اجرای مجازات حدی در حرم با اطلاق این آیه سنخیت ندارد. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۲۸۴). عده ای نیز با استناد به عمومیت آیه ی - فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (بقره: ۱۹۰) قائل به حکم مذکور شده اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۷۶). برخی ملاک عدم اجرای حد در حرم را عدم تحقق وهن نسبت به دین بیان نموده اند (حائری، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۵، ص ۵۰۳). در مقابل گفته شده است که اجرای حد یعنی اجرای حکم خدا در خانه خدا؛ اگر حکم اجرا نشود بی احترامی است بنابراین مناط در تأخیر در اجرای حد در حرم جلوگیری از وهن دین و عدم ایجاد تنفر نسبت به مبانی دینی است. (گلپایگانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۳۹۲).

فقها در خصوص سرایت حکم عدم جواز اجرای حد در حرم مکه به سایر مکان های مقدس از جمله مساجد اختلاف نظر دارند. برخی از فقها (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۳۶۳)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۵۶) و شیخ طوسی در المبسوط (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۸، ص ۷۰) به حرمت اجرای حد در مساجد قائل هستند. اما در الخلاف قول مکروه بودن اجرای حد در مسجد را به همه فقهای امامیه نسبت می دهد.

(طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۲). برخی همچون علامه حلی نیز اجرای حد در مسجد را مکروه می‌دانند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۲۸).

با توجه به اینکه امروزه حرم اهل بیت (ع) و مساجد نماد وحدت مسلمانان و صلح و آرامش هستند و اصلی‌ترین جلوه این مکان‌ها در توجه به خدای متعال و ارتباط معنوی و عبادی با اوست، لذا ضروری می‌نماید که امکان تعمیم حکم مذکور به اماکن عبادی غیر حرم مکه مورد بررسی قرار گیرد چرا که اجرای مجازات‌های حدی در این مکان‌ها ابزاری خواهد شد که دشمنان اسلام به وسیله آن به تبلیغات سوء و شبهه افکنی علیه اسلام و مسلمانان پردازند.

۵،۲،۲. بسیار گرم یا بسیار سرد بودن هوا

از امام کاظم (ع) درباره فردی که در زمستان بر او حد جاری می‌شد نقل شده است که فرمودند: «يُنْبَغِي لِمَنْ يُحَدُّ فِي الشِّتَاءِ أَنْ يُحَدَّ فِي حَرِّ النَّهَارِ، وَ لِمَنْ حُدَّ فِي الصَّيْفِ أَنْ يُحَدَّ فِي بَرْدِ النَّهَارِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۱۲۸؛ عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۸، ص ۲۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۶، ص ۹۸). بنابراین گرما یا سرمای شدید از جمله مواردی است که در روایات جزء استثنائات تأخیر در اجرای حد محسوب می‌شود لذا اگر در زمستان قرار بر اجرای حد است باید در ساعتی از روز اجرا گردد که هوا نسبتاً معتدل بوده و از شدت سرما کاسته شده باشد و همچنین اگر در تابستان بناست اجرای حد صورت گیرد باید در ساعتی از روز باشد که دمای هوا رو به اعتدال بوده و گرما شدید نباشد.

۵،۲،۳. تحلیل وجه تأخیر

علامه مجلسی در شرح حدیث فوق فرموده است: مناط اصلی در این مسأله رعایت سلامتی فرد است و حکم تأخیر در مواردی که احتمال بروز آسیب بیشتر از مقدار حد

وجود دارد مطابق ظاهر نص و فتوا وجوب است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۳۳۶). اجرای حد باید در هوای معتدل باشد. حد نباید در سرمای گزنده یا در گرمای کشنده اجرا شود. چراکه باید انسانیت و حقوق انسانی نیز رعایت شود (یزدی، ۱۳۹۱ش، درس خارج فقه، www.eshia.ir). مبنای این حکم این است که فرد از دو جهت تحت فشار قرار نگیرد به گونه‌ای که هم حد بر او جاری شود و هم فشار سرما یا گرما را متحمل گردد. ممکن است همراه شدن اجرای حد با سرما یا سرمای شدید موجب ایجاد بیماری شود در حالی که هیچ کس حق ندارد از حد مجازاتی که شارع معین کرده پا را فراتر بگذارد (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۰). مقدار واجب مجازات اقتضای برضرب به همان مقدار تعیین شده است و هرچه که موجب ضرر یا مشقت بیشتر شود ممنوع است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۷، ص ۲۸۴) تا جایی که برخی از فقها بیان نموده اند که اگر این ملاک رعایت نشود و آسیبی محقق شود مجری حد ضامن است. (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۴۳). البته برخی از فقها با توجه به لفظ ینبغی به کار رفته در نص روایت قائل اند که این لفظ ظهور در استحباب دارد و دلالت بر وجوب نمیکنند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴۹). اما مشهور فقها با توجه به لحن و سیاق روایت و سایر مبانی و اصول حاکم در باب احکام جزایی قائل به وجوب هستند. (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۸۹). می‌توان گفت اصلی‌ترین مناطی که قابل فهم است لزوم رعایت عدالت در اجرای حد است و اینکه مبتنی بر قاعده لاضرر هیچ امر ضرری خارج از ساختار و بدون مبنا و دلیل نباید نسبت به فردی اجرا گردد.

بر اساس ملاک فوق، به نظر می‌آید در همه مواردی که علاوه بر سختی اجرای حد، فشار و سختی دیگری بر مجرم تحمیل می‌شود که با تأخیر اجرای حد امکان رفع آن وجود دارد، می‌توان اجرای حد را به تأخیر انداخت.

۵,۳. مستحاضه بودن زن

امام صادق (ع) درباره اجرای حد بر زن مستحاضه فرمودند: «لَا يُقَامُ الْحَدُّ عَلَى الْمُسْتَحَاضَةِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الدَّمُ عَنْهَا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۲۵۰) لذا بر زن مستحاضه تا زمان بهبودی حد جاری نمی‌شود. این حکم مورد اتفاق فقها است و در مورد آن اختلاف نظری وجود ندارد.

۵,۳,۱. تحلیل وجه تأخیر

دلیل این که اگر زن در حال استحاضه باشد حد بر او جاری نمی‌شود به احتمال قوی این است که حد در این حالت موجب می‌گردد که فرد مجرم متحمل ضرر بیشتر و مشقت شدیدتری گردد. از این رو عمده دلیل حکم تأخیر حد، قاعده لاضرر و لاجرح است. وقتی مستحاضه بودن زن ثابت شود، طبق قاعده لاضرر که بر ادله اجرای فوری حد حکومت دارد، اجرای حد باید با تأخیر انجام شود تا به واسطه اجرای آن، مریضی زن شدیدتر نشده و متحمل ضرر بیشتر نشود.

در الحاق حالت حیض و نفاس به استحاضه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها این حالات را موجب تأخیر در اجرای حد می‌دانند چرا که زن در دوران حیض نیز وضعیت متعادلی از جهت جسمی و روحی ندارد حکم عدم اجرای حد بر مستحاضه به جهت جمع بین رعایت مصلحت و بین عدم اذیت فرد مجرم زائد بر آنچه که معین شده است می‌باشد. برخی بیان می‌کنند که از موضوع استحاضه الغای خصوصیت می‌شود و به حیض و یا هر موضوع دیگری که در آن با اجرای حد احتمال سرایت یا تشدید بیماری وجود داشته باشد تعمیم داده می‌شود (اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵۳۱) که با این استدلال که حیض بیماری نیست و ادله مرض شامل آن نمی‌شود لذا الغای خصوصیت جاری نمی‌شود؛ مورد انکار قرار گرفته است. (مؤمن، ۱۴۲۲ق، ص ۲۵۳). و

برخی دیگر به دلیل عدم وجود نص، حیض را مصداق تأخیر اجرای حد ندانسته‌اند (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱، ص ۹۷). با این حال، ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، بیان می‌کند شلاق تعزیری، در مورد زنی که در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه باشد اجرا نمی‌شود.

با توجه به آن که مناط حکم تأخیر، منع از شدت بیماری و حصول سرایت بیشتر است، به نظر می‌آید امکان تعمیم حکم تأخیر در اجرای حدود به بیماری‌های خاص و جدید زنان همچون؛ آندومتريوز^۱، سندروم تخمدان پلی کیستیک^۲، دیسپلازی^۳، هیپرپلازی آندومتر^۴، به ویژه آشرمن^۵، فیبروم^۶ و سرطان تخمدان ضروری است.

۵.۴. بیمار بودن مجرم یا وجود جراحاتی در بدن مجرم

در متون روایی و فقهی امامیه احادیثی نقل شده است که بیماری یا وجود جراحاتی در بدن مجرم و اموری از این قبیل، موجب تأخیر اجرای حد است، از جمله آن روایات، روایتی از امام صادق (ع) است که حضرت می‌فرماید: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أُتِيَ بِرَجُلٍ أَصَابَ حَدًّا وَ بِهِ قُرُوحٌ وَ مَرَضٌ وَ أَشْبَاهُ ذَلِكَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَخْرُوهُ حَتَّى يَبْرَأَ لَا تُنْكَأُ قُرُوحُهُ عَلَيْهِ فَيَمُوتَ وَ لَكِنْ إِذَا بَرَأَ حَدَّ ذُنَاهُ». (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۷، ص ۲۴۴؛ طوسی، ۱۳۶۳ق، ج ۴، ص ۲۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۸، ص ۳۰). بر اساس این روایت، حضرت علی (ع) به جهت بیماری، جراحات و موارد مشابه دستور به

۱- بیماری است که در آن بافتی از جنس بافت رحم، در خارج از رحم رشد می‌کند و منشأ آسیب‌های بسیاری می‌گردد.

۲- اختلال هورمونی بسیار شدید که از عوارض آن سقط جنین و یا زایمان زود رس می‌باشد.

۳- بیماری است که سلولهای رحم ضخیم شده و موجب خونریزی می‌گردد. (صفدرپور، ۱۳۹۷، ص ۳۴)

۴- بیماری که به سبب وجود برخی تغییرات هورمونی شدید موجب خونریزی‌های شدید می‌شود.

۵- خانمی که سابقه سقط داشته باشد و باعث نازایی می‌شود. (شاهواری، ۱۳۹۹، ص ۸۹)

۶- تومورهایی که در رحم به وجود می‌آید و موجب سقط جنین، محدودیت رشد جنین، زایمان زود رس و

خونریزی شدید است. (سلمانی، ۱۴۰۱، ص ۵۴)

تأخیر در اجرای حد دادند.

۵،۴،۱. تحلیل وجه تأخیر

اگر مجرم مریض باشد اجرای حد درباره او به تأخیر می‌افتد تا افاقه پیدا کند؛ چرا که ممکن است با اجرای حد، بیماری او شدت پیدا کند. این حکم به جهت رعایت مصلحت حال مجرم است (طباطبایی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۷۷) بنابراین اگر قرار باشد با اجرای حد بر مجرم مشقت بیشتری حاصل گردد اجرای حد به تأخیر می‌افتد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۴). شیخ طوسی در شرح روایت فوق می‌فرماید: روایت دیگری داریم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیماری را با شاخه خرمایی تازیانه زدند که صد رشته داشته است. این دو روایت ظاهراً باهم تعارض دارند اما باید دانست که برپایی حد به عهده‌ی امام است، و آن را مطابق مصلحت انجام می‌دهد اگر مصلحت اقتضا کند که همان لحظه حد اجرا شود، آن را به صورتی انجام می‌دهد که موجب هلاکت شخص نشود، چنان‌که پیامبر (ص) چنین کرد. و اگر مصلحت در به تأخیر انداختن باشد، اجرای حد را تا بهبود یافتن فرد به تأخیر می‌اندازد. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۳).

برخی از فقها، قاعده المیسور، اجماع و نصوص وارد در این زمینه را، علت این حکم می‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۷، ص ۲۸۲). همچنین قاعده اهم و مهم و قاعده لاضرر را نیز می‌توان مستند و مؤید حکم لزوم تأخیر در اجرای حد بر مریض دانست. یکی از موارد که در مورد آن امکان تعمیم حکم تأخیر وجود دارد مسأله اجرای حد بر مجنون است، چرا که مطابق کتب فقهی اگر کسی در حالی که عاقل است مرتکب جرمی شود سپس دیوانه شود، حد از او ساقط نمی‌شود و در حال جنون حد بر او جاری می‌شود. در این زمینه دو قول وجود دارد؛ بیشتر فقها معتقدند که عارض شدن جنون

پس از ارتکاب حد مانع اجرای حد نبوده و باید حدود اجرا شوند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۵۹). از بین معاصرین نیز بسیاری از فقها قائل به حکم مذکور می باشند (خویی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۲۱۶؛ تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۳؛ لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰۷؛ مکارم، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴۳). در مقابل، برخی فقهای معاصر همچون آیت الله گلپایگانی (۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹۲) و آیت الله شیرازی (بی تا، ص ۱۵۴) و آیت الله منتظری (بی تا، ص ۹۸) اجرای حد در حال جنون را مشکل دانسته اند. و قائل اند که اجرای مجازات در حال جنون، عقلاً لغو و قبیح است. فلسفه اجرای حد، اصلاح و بازپروری مجرم است و تحقق این غرض در مجنون امکان ندارد. (اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱۳، ص ۸۱). برخی نیز با استناد به حدیث رفع قلم اجرای حد بر مجنون را نفی می کنند (فرطوسی حویزی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۱۲؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶ق، ج ۱۶، ص ۱۱۱).

بنابراین با توجه به روایات تأخیر در اجرای حد در مورد مریض می توان گفت این حکم نسبت به مجنون هم قابلیت تعمیم دارد. ماده ۵۰۲ آیین دادرسی کیفری می گوید: هر گاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای مجازات را به تعویق می اندازد.

۵،۴،۲. حامله بودن مجرم

از امام صادق (ع) درباره حد زن شوهرداری که مرتکب زنا شده و باردار است سؤال شد، حضرت فرمودند: «تَقْرُّ حَتَّى تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا وَ تُرْضِعَ وَلَدَهَا ثُمَّ تُرْجَمُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۹؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۰۷؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۷). لذا اگر زن حامله محصنه ای زنا کند، حد رجم تا زمان وضع حمل و شیر دادن به تأخیر می افتد و اگر محصنه نباشد در صورتی که حد جلد برای جنین خطری داشته

باشد به تأخیر می افتد.

۵،۴،۳. تحلیل وجه تأخیر

علامه مجلسی در شرح حدیث فوق می فرمایند: این حدیث موثق است و تا زمان وضع حمل و اتمام دوران نفاس زن و نیز در صورت عدم حضور کفیل تا پایان دوران شیردهی حد به تأخیر می افتد. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۹۶). اگر چه شارع اهتمام ویژه به اجرای حدود دارد اما از طرف دیگر نفوس نزد شارع محترم اند و حفظ خون و نفس انسان بسیار مهم تر از اجرای حد است. چرا که اگر قرار باشد به جهت ارتکاب جرم، حدی مانند رجم، بر زن حامله جاری شود، جنین داخل رحم به چه جرمی مجازات می گردد؟ طبق نص صریح آیات و روایات هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴). همچنین قاعده لاضرر می تواند به عنوان محکم ترین مبنا جهت تأخیر اجرای حد در زن باردار محسوب شود؛ چرا که اگر مادر در اثر اجرای حد از بین برود فرزند او نیز از بین می رود. بر این مبنا، در ایام شیردهی نیز به استناد قاعده لاضرر و قاعده وزر می توان اجرای حد را به تأخیر انداخت (شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۰۰). زیرا به واسطه اجرای حد بر مادر، ممکن است طفل دچار آسیب های جبران ناپذیر جسمی و روحی گردد. صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۳۸)، شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۳۸)، مرحوم خویی (خویی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۷) و بسیاری از فقها بر تأخیر اجرای حد تا زمان وضع حمل و بی نیازی کودک از شیرمادر حکم داده اند. برخی از فقها قائل اند حد تا زمانی به تأخیر می افتد که طفل وابسته به شیر مادر باشد و اگر بتواند از تغذیه دیگری استفاده کند حد می تواند اجرا شود (شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۹) این در حالی است که مناط اصلی در تأخیر حد حفظ مصلحت و سلامتی طفل و دفع هر گونه آسیب

احتمالی است و فقط بحث تغذیه نیست بلکه شرایط نگه داری و سایر مراقبت ها باید مورد توجه قرار بگیرد. حفظ مصلحت طفل در حدی مهم است که برخی از فقها قائل اند حتی بعد از اتمام دوران شیردهی هم اگر طفل کفیل نداشته باشد باز هم اجرای حد به تأخیر می افتد. (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۰).

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ این نکته در ماده ۴۳۷ بیان شده است که زن حامله که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می افتد.

و نیز در بند (ب) از ماده ۲۸۸ آیین دادرسی کیفری بیان شده است که در مورد زن شیرده در ایامی که طفل وی شیرخوار است اجرای حد با تأخیر انجام می شود.

حال سؤال این است که آیا این حکم مختص بارداری مشروع است یا اینکه در بارداری غیر مشروع و شیردهی ناشی از آن نیز اجرای حد به تأخیر می افتد؟ همچنین شایان توجه است که در بحث رحم اجاره‌ای، زن بعد از زایمان، بچه را به پدر و مادر اصلی تحویل می دهد و او را شیر نمی دهد اما از نظر پزشکی و فیزیولوژیک مرضه محسوب می شود؛ یعنی شیر دارد و بدن او به خاطر زایمان ضعیف است. آیا بر این فرد حد جاری می شود یا اجرای حد او تأخیر می افتد؟

نظر فقهای معاصر درباره امکان تعمیم حکم تأخیر در اجرای حد به مصادیق نوپدید

در خصوص امکان تعمیم دادن جواز تأخیر اجرای حدود به مسائل نوپدید، در میان فقهای معاصر دو دیدگاه وجود دارد. برخی از فقها امکان تعمیم را مطلقاً می پذیرند و برخی نیز در صورت تحقق شروط خاصی از جمله منصوص العله بودن حکم، کشف علت مشترک بین دو مسأله حادث و قدیم و یا لزوم صدور جواز حکم تعمیم از سوی

حاکم اسلامی، امکان تعمیم حکم را می‌پذیرند.

۵,۵. موافقان مطلق

آیت الله صانعی در زمره موافقان مطلق امکان تعمیم قرار دارد. ایشان قائل است موارد استثناء بر قاعده اجرای فوری حدود جنبه حصری نداشته و به عنوان مصداق بیان شده است. لذا قائل اند هر چیزی که مرتبط با حیات انسان باشد و با جان، مال و آبروی افراد مرتبط باشد، می‌بایست بر مبنای قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» در صدور حکم حد و اجرای حد مورد تأمل جدی قرار گیرد (صانعی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۱۲).

۵,۶. موافقان مشروط

برخی از قائلان به امکان تعمیم تأخیر اجرای حدود به مسائل نوپدید، شرط تعمیم را تشخیص مسأله از سوی حاکم اسلامی می‌دانند و قائل اند که این یک امر حکومتی است (خمینی، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ص ۱۹۲). آیت الله جوادی آملی بر این عقیده‌اند که اگر حکم منصوص العلة باشد تعمیم صحیح است. برخی نیز قائل اند که تخصیص‌هایی که بر قاعده اجرای فوری حدود وارد شده است، عنوانی هستند و مسائل نوپدید اگر از مصادیق این مخصص‌ها باشند حکم تأخیر به این امور جدید نیز تعمیم پیدا می‌کند. (جوادی آملی، درس خارج فقه ۱۴۰۳/۱۱/۱۳).

آیت الله مکارم شیرازی در عدم اجرای حکم بر مستحاضه می‌گوید که امکان الغاء خصوصیت از مستحاضه وجود دارد و حکم آن به مریض نیز تعمیم پیدا می‌کند. همچنین بیان می‌کنند که در دنیای کنونی اگر عناوین ثانویه به وجود آید، مانند جایی که اجرای مجازات قتل بر مریض موجب تشویش اذهان عمومی نسبت به دین اسلام شود و اثر سوء در جامعه داشته باشد، اجرای مجازات به تأخیر می‌افتد (مکارم،

۱۴۱۸ق، ص ۳۳۶-۳۳۴ با تلخیص).

۵.۷. ادله حصر گرایان (مخالفتان تعمیم حکم)

در میان فقها به خصوص زمان معاصر که تعداد ابتلا به موضوعات مستحدثه تکثر یافته است دیدگاهی که لازمه ی آن حصر گرایی در تعلیل موجود در روایات باشد یافت نمی شود. چرا که همه ی فقهای معاصر ضرورت پرداختن به مسائل نوپدید و مستحدثه را پذیرفته اند و اگر اختلاف نظری وجود داشته باشد در زمینه ی حدود و مبانی و شروط تعمیم حکم مذکور در روایات است. هرچند در کتب فقهای متقدم برخی از فقها قائل به حصری بودن موارد ذکر شده در روایات هستند و اصلی ترین دلیل آنها این است که روایاتی که حکمی را برای موارد خاص بیان می نمایند دارای نصی هستند که باید به همان اکتفا نمود و تسری حکم به موارد دیگری که در نص روایت بیان نگردیده است اجتهاد در مقابل نص محسوب می گردد که از نظر مبانی فقه امامیه ممنوع می باشد. (جمعی از نویسندگان، بی تا، ج ۸، ص ۳۸). که البته قائلین به تعمیم هم اجتهاد شخصی و بدون مبنای فقهی و به دور از مقاصد شریعت را ممنوع میدانند. آنچه اساس تعمیم است تخریج مناط قطعی و به دور از ظن و شک است و تعمیم حکمی به موارد نوپدید بر اساس مبانی، مقاصد و ظرفیت ها و انعطاف هایی صورت می گیرد که توسط معصومین (علیه السلام) در ساختار فقه قرار گرفته است و کشف و به کارگیری آن فقط توسط مجتهد جامع الشرایط انجام می شود که در تحقیق حاضر به اصلی ترین مبانی تعمیم حکم پرداخته شده است.

۵.۸. چالش های تعمیم حکم

قطعاً طرح و سپس التزام به هر نظریه جدیدی اگر در چهارچوب مبانی و با توجه به همه ی جوانب قلمرو مورد نظر نباشد با اشکالات و چالش هایی رو به رو خواهد

شد. در زمینه‌ی تحقیق فعلی نیز اگر تعمیم بدون توجه به اصول و به دور از نظرات تخصصی فقها و بدون آشنایی با فرآیند اجتهاد و شناخت منابع اصلی محقق گردد قطعاً با ایراداتی همچون: سوء استفاده، هرج و مرج قضایی و توسعه تفسیرهای سلیقه‌ای مواجه خواهد شد. بنابراین اگر تعمیم در چهارچوب مبانی فقهی و با توجه به مقاصد شریعت و با تقید به اصول و قواعد فقهی و تحت نظر مجتهد انجام شود از چالش‌های مذکور به دور خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی روایات و تحلیل کلامی و اصولی آن‌ها نشان می‌دهد که قاعده «عدم جواز تأخیر در اجرای حدود» با وجود ظاهر مطلقش، مواردی از استثناء برای آن پذیرفته شده است. این استثنائات نه به معنای نفی اصل قاعده، بلکه ناشی از تراحم اجرای حد با مصالح مهم‌تر یا بروز مفاسد شدیدتر در صورت اجرای فوری آن است. تحلیل استقرایی این موارد نشان می‌دهد که ملاک‌های مشترکی همچون دفع ضرر شدید از محکوم‌علیه یا دیگران، حفظ نظم اجتماعی و دینی، جلوگیری از وهن اسلام، رعایت حرمت اماکن مقدس، پاسداشت شأن انسانی مجرم، و تأمین اهداف تربیتی و اصلاحی مجازات‌ها در پذیرش این استثنائات نقش اساسی داشته‌اند. این ملاک‌ها که بر قواعدی چون «لاضرر»، «اهم و مهم»، «نفی حرج» و مبانی مقاصدی فقه استوارند، نشان می‌دهند که استثنائات یادشده حصری نبوده و محدود به نصوص خاص نیستند.

در شرایط معاصر، با توجه به تحولات زمان و مکان، گسترش رسانه‌ها، تغییر نگرش جهانی نسبت به مجازات‌ها و ظهور حساسیت‌های جدید، اجرای بسیاری از حدود از قالب صوری و سنتی خود فراتر رفته و فقیه را ناگزیر از توجه به مصلحت و تشخیص

دقیق موضوع در بستر اجتماعی پیچیده امروز ساخته است. تعمیم جواز تأخیر اجرای حدود به این وضعیت‌های نوپدید، نه تنها با اصول فقهی سازگار است، بلکه در راستای صیانت از اهداف عالی شریعت و تأمین مصالح امت اسلامی قابل توجیه می‌باشد.

بر این اساس، هرگاه اجرای حد در یک مصداق جدید با مصلحت اهم شرعی، عقلایی یا اجتماعی در تعارض قرار گیرد، می‌توان با استناد به قواعد یادشده و بر اساس تشخیص حاکم شرع، حکم به تأخیر، تغییر شیوه اجرا یا حتی تعطیل موقت حد داد؛ مشروط بر آن‌که این اقدام در جهت تحقق مقاصد شریعت و تقویت نظام اسلامی باشد، نه از سر تساهل یا تبعیت از فضای اجتماعی. چنین رویکردی بیانگر پویایی اجتهاد و ظرفیت گسترده فقه اسلامی در مواجهه با واقعیت‌های نوین است، بی‌آن‌که به ثبات و استحکام اصول خدشه‌ای وارد سازد.

منابع

۱. آقا مهدوی، اصغر. مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی و شهید صدر. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷ش.
۲. ابن ادریس، محمد بن منصور. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۰ق.
۳. احمدی ابهری، محمدعلی. نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵ش.
۴. اردبیلی، عبد الکریم. فقه الحدود و التعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید، چاپ ۲، ۱۴۲۷ق.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۶. اصفهانی، محمد بن حسن. کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۷. بروجردی، آقا حسین. جامع احادیث الشیعة. تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ق.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد آل عصفور. الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۹. بکر بن عبدالله. الحدود و التعزیرات. الرياض: دارالعاصمة، چاپ ۲، ۱۴۱۵ق.
۱۰. تبریزی، جواد بن علی. أسس الحدود و التعزیرات. قم: انتشارات آية الله تبریزی، ۱۴۱۷ق.
۱۱. تولایی، علی. نگرشی تاریخی بر جایگاه مصلحت در فقه امامیه. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. درس خارج فقه. قم: مسجد اعظم، ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ش.
۱۳. جمعی از نویسندگان. مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام). قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، بی تا.
۱۴. حاجی ده آبادی، احمد. قواعد فقه جزایی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ۳، ۱۳۹۱ش.
۱۵. حائری، علی بن محمد طباطبایی. ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل بیت (ع)، ۱۴۱۸ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسایل الشریعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۷. حسینی شیرازی، صادق. التعليقات على شرائع الاسلام. قم: استقلال، چاپ ۶، ۱۴۲۵ق.

۱۸. حسینی شیرازی، محمد. الفقه المروور و آداب السفر. بیروت: مؤسسة المجتبی، ۱۴۲۱ق.
۱۹. حسینی شیرازی، محمد. الفقه؛ القواعد الفقهية. بیروت: مؤسسه امام رضا (ع)، ۱۴۱۳ق.
۲۰. حسینی، صادق. ولایت فقیه و پویایی در استنباط احکام. قم: مجموعه آثار کنگره مبانی فقهی امام خمینی، ۱۳۷۵ش.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف. تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل بیت (ع)، ۱۴۱۴ق.
۲۲. خدایار، حسین، و رحیم نوبهار. «بازخوانی تحلیلی-انتقادی مفهوم اقامه حد.» پژوهش حقوق کیفری ۷، ش ۲۵ (زمستان ۱۳۹۷ش).
۲۳. خمینی، روح الله. تحریر الوسیلة. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۸۶ش.
۲۴. خوانساری، احمد بن یوسف. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
۲۵. راوندی، سعید بن عبدالله. فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ ۲، ۱۴۰۵ق.
۲۶. رضایی، حسن. نقش مقتضیات زمان و مکان در نظام کیفری اسلام. تهران: نشر عروج، چاپ ۱، ۱۳۸۱ش.
۲۷. سبحانی، جعفر. درس خارج فقه، کتاب الحدود و التعزیرات. قم: پایگاه مدرسه فقهت، WWW.eshia.ir-feqh
۲۸. سبزواری، عبدالاعلی. مذهب الاحکام. قم: مؤسسه المنار، چاپ ۴، ۱۴۱۳ق.
۲۹. سلمانی، رقیه. غربالگری و تشخیص سرطان سرویکس. تهران: انتشارات دانشگاهی فرهمند، ۱۴۰۴ق.
۳۰. شاهسواری، زهرا. بیماری های زنان. تهران: نشر بشری، ۱۳۹۹ش.
۳۱. شاهرودی، محمود. قرائات الفقهية معاصرة. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۳۲. شاهرودی، محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ق.
۳۳. شبیری زنجانی، موسی. درس خارج فقه. قم: پایگاه مدرسه فقهت، WWW.eshia.ir-feqh
۳۴. شوشتری، محمدتقی. النجعة فی شرح اللمعة. تهران: کتابفروشی صدوق، ۱۴۰۶ق.
۳۵. شوشتری، محمدحسن. دیدگاه های نو در حقوق. تهران: نشر میزان، چاپ ۲، ۱۴۲۷ق.
۳۶. شهید اول، محمد بن مکی. الدروس الشرعية فی فقه الامامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۷ق.
۳۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. قم: کتابفروشی داوری،

- ۱۴۱۰ق.
۳۸. شهید ثانی. مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۳۹. شیرازی، محمد. الفقه (کتاب الحدود و التعزیرات). قم: دارالقرآن الحکیم، بی تا.
۴۰. شیرازی، قدرت الله انصاری. موسوعة الاحکام للاطفال و ادلتها. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۲۹ق.
۴۱. صادق نژاد، مجید، و میثم عظیمی. «امکان سنجی تأخیر اجرای حکم قصاص نفس...» آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۸/۱۶ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش).
۴۲. صانعی، یوسف. استفتائات قضایی. تهران: نشر میزان، چاپ ۲، ۱۳۸۴ش.
۴۳. صدوق، علی بن بابویه. من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۳ق.
۴۴. صفدرپور، صبا. بیماری سندروم تخمدان پلی کیستیک. تهران: انتشارات ارشدان، ۱۳۹۷ش.
۴۵. طباطبایی، محمدسعید. مسائل معاصرة فی فقه الفقهاء (قضاء). نجف: دارالهلال، چاپ ۲، ۱۴۲۷ق.
۴۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المكتبة المرتضویة، چاپ ۳، ۱۳۸۷ق.
۴۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۴۰۷ق.
۴۹. عاملی، جواد بن محمد. مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة. بیروت: داراحیاء التراث الاسلامی، بی تا.
۵۰. فاضل لنکرانی، محمد. تفصیل الشریعة فی شرح تحریرالوسیلة. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۲ق.
۵۱. فرطوسی خویزی، حسین. التوضیح النافع شرح ترددات صاحب الشرایع. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۶ق.
۵۲. قزوینی، ملاعلی. صیغ العقود و الایقات (محشی). قم: انتشارات شکور، ۱۴۱۴ق.
۵۳. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۵۴. کاشانی، محمد محسن. الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۶ق.
۵۵. کلینی، ابوجعفر. الکافی. قم: دارالحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
۵۶. گلپایگانی، محمدرضا. الدر المنضود فی احکام الحدود. قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
۵۷. مالدار، محمد حسین، و عبدالرضا جوان جعفری. «بازخوانی و تعمیم ادله منع اجرای حدود...»

- جستارهای فقهی و اصولی ۶، ش ۲۰ (پاییز ۱۳۹۹ ش).
۵۸. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. قم: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۵۹. مجلسی، محمدباقر. حدود و قصاص و دیات. تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی، بی تا.
۶۰. مجلسی، محمدباقر. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۶۱. مجلسی، محمدباقر. مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول. تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ ۲، ۱۴۰۴ ق.
۶۲. مجلسی، محمدتقی. روضة المتقین. قم: مؤسسه فرهنگي كوشانپور، چاپ ۲، ۱۴۰۶ ق.
۶۳. محمدی خراسانی، علی. شرح تبصرة المتعلمین. قم: انتشارات اسلامی، بی تا.
۶۴. مراغی، عبدالفتاح. العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر. الفتاوی الجديدة. قم: انتشارات مدرسة امام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ ۲، ۱۴۲۷ ق.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر. أنوار الفقاهة. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۱۸ ق.
۶۷. منتظری، حسینعلی. کتاب الحدود. قم: انتشارات دارالفکر، بی تا.
۶۸. منتظری، حسینعلی. مجازات های اسلامی و حقوق بشر. قم: انتشارات ارغوان دانش، ۱۴۲۹ ق.
۶۹. مؤمن قمی، محمد. مبانی تحریر الوسیلة، کتاب الحدود. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار خمینی، ۱۴۲۲ ق.
۷۰. مؤمنی، عابدین، سید محمود علوی، و حامد رستمی نجف آبادی. «مؤلفه های تأثیرگذار در اجرای حدود». مطالعات فقه و حقوق اسلامی ۹، ش ۱۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش).
- ۷۱.
۷۲. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ ۷، ۱۴۰۴ ق.
۷۳. نوبهار، رحیم. «جستاری درباره تأخیر در اجرای حد». فقه و مبانی حقوق اسلامی ۴۸، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش).
۷۴. نوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسة آل بیت (ع) لاحیاء التراث، چاپ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۷۵. وجدانی فخر، قدرت الله. الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة. قم: انتشارات سماء قلم، چاپ ۲، ۱۴۲۶ ق.
۷۶. یزدی، محمد. درس خارج فقه. قم: پایگاه مدرسه فقاہت، www.eshia.ir-feqh.